



## کثرت گرایي در بوته نقد

پديدآورده (ها) : کامران، حسن

ادبان، مذاهب و عرفان :: معرفت :: اردیبهشت 1381 - شماره 53

از 113 تا 120

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/20841>

دانلود شده توسط : مهدی سلیمانی

تاریخ دانلود : 01/09/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

# کثرت‌گرایی در بیوتنه نقد

حسن کامران

اشاره

در عصر روشنگری و عصر اطلاعات، تنوع ادیان و مذاهب گوناگون، در این عصر، مانند انواع انسان و زاینده از جمله پروتستانت، مسیحیت، اسلام و مذهب کهن و سایر فرهنگ‌ها، هرگونه تمیز، پدید می‌آید. این کثرت‌گرایی، به درجه بسیار و تا حدی که در این فرهنگ، مذهب، به عنوان یک امر بی‌اهمیت و بی‌ارزش تلقی می‌گردد. در این عصر، تنوع ادیان و مذاهب گوناگون، در این عصر، مانند انواع انسان و زاینده از جمله پروتستانت، مسیحیت، اسلام و مذهب کهن و سایر فرهنگ‌ها، هرگونه تمیز، پدید می‌آید. این کثرت‌گرایی، به درجه بسیار و تا حدی که در این فرهنگ، مذهب، به عنوان یک امر بی‌اهمیت و بی‌ارزش تلقی می‌گردد. در این عصر، تنوع ادیان و مذاهب گوناگون، در این عصر، مانند انواع انسان و زاینده از جمله پروتستانت، مسیحیت، اسلام و مذهب کهن و سایر فرهنگ‌ها، هرگونه تمیز، پدید می‌آید. این کثرت‌گرایی، به درجه بسیار و تا حدی که در این فرهنگ، مذهب، به عنوان یک امر بی‌اهمیت و بی‌ارزش تلقی می‌گردد.

این حد ادیان، به سبب آنکه در این عصر، تنوع ادیان و مذاهب گوناگون، در این عصر، مانند انواع انسان و زاینده از جمله پروتستانت، مسیحیت، اسلام و مذهب کهن و سایر فرهنگ‌ها، هرگونه تمیز، پدید می‌آید. این کثرت‌گرایی، به درجه بسیار و تا حدی که در این فرهنگ، مذهب، به عنوان یک امر بی‌اهمیت و بی‌ارزش تلقی می‌گردد. در این عصر، تنوع ادیان و مذاهب گوناگون، در این عصر، مانند انواع انسان و زاینده از جمله پروتستانت، مسیحیت، اسلام و مذهب کهن و سایر فرهنگ‌ها، هرگونه تمیز، پدید می‌آید. این کثرت‌گرایی، به درجه بسیار و تا حدی که در این فرهنگ، مذهب، به عنوان یک امر بی‌اهمیت و بی‌ارزش تلقی می‌گردد.

## موضوع تحقیق

کثرت‌گرایی دینی (Religious pluralism) یکی از مفاهیم و مباحث فلسفه دین و کلام جدید به شمار می‌رود. این واژه نیز همانند بسیاری از مفاهیم سیاسی، اجتماعی، فلسفی و کلامی، از مفاهیم وارداتی محسوب می‌شود که با انتقال علوم و معارف مغرب زمین به کشورهای رو به توسعه، وارد شده و در اثر ارتباط فرهنگی و تحولات اندیشه‌ها مهمان فرهنگ مشرق زمین گردیده است. کثرت‌گرایی عمدتاً در دو قلمرو جامعه و فرهنگ مطرح می‌شود. یکی از شاخه‌های کثرت‌گرایی در ساخت فرهنگ، کثرت‌گرایی دینی است. کثرت‌گرایی دینی به معنای به رسمیت شناختن تمام ادیان است. کثرت‌گراها می‌گویند: حقیقت مطلق و نجات و رستگاری را منحصر در یک دین و مذهب و در پیروی از یک شریعت و آئین ندانیم بلکه معتقد شویم که حقیقت مطلق، مشترک میان همه ادیان است و ادیان و مذاهب و شریعت‌های مختلف در حقیقت، جلوه‌های گوناگون «حق مطلق» اند و در نتیجه پیروان همه ادیان و مذاهب، به هدایت و نجات دست می‌یابند. کثرت‌گرایی دینی، با استمداد از مبانی کلامی، معرفت‌شناختی و اجتماعی، هم چون وحدت‌گوهر ادیان، تجربه دینی، تعدد حقیقت، دو مراتب و ذویطون بودن حقیقت، تکافؤ‌آلله، تفکیک نومن از

فنون و نسبت معارف و... فتوا به تساوی ادیان و مذاهب در بهره‌مندی از حقیقت، هدایت و سعادت داده است.

در واقع، کثرت‌گرایی دینی، تفسیری است از تعدد و تنوع ادیان، نسبت به رستگاری اخروی و حق یا باطل بودن آن‌ها، و بدان معناست که گرچه حقیقت در نفس الامر واحد و ثابت است، ولی آن گاه که حقیقت واحد در دسترس فکر و اندیشه و تجربه دینی بشر قرار گیرد، به تکرر رنگین می‌شود و از آن جهت که همه آن‌ها به نحوی به حقیقت دسترسی پیدا می‌کنند، در نجات و رستگاری شریک‌اند.

## لوازم بین کثرت‌گرایی دینی

فروگاستن وحی تا حدّ یک «تجربه روانی شخصی»، حذف مفاد معرفتی از دین، به ویژه در قلمرو ماورای طبیعت، بر کنار سازی شریعت عملی از گوهر دین، تفکیک دین حتی از اخلاق و در نتیجه، حکم به تساوی ادیان و عقاید و به غیرقابل داوری بودن آن‌ها، «ایمان» را معلول «علل» و نه مدلول «دلایل» دانستن، تأویل مادی «معرفت دینی» و سرانجام از بوته در آوردن شیری بی‌یال و دم و اشکم، دین منهای «عقاید» منهای «احکام» و حتی منهای اخلاقیات، از لوازم بین به معنی الاخص «کثرت‌گرایی دینی» است. رویکردهایی که از دوران باستان تا امروز، نسبت «شاعری»،

«سحر» و «جنون» به انبیاء علیهم السلام داده‌اند، وحی را از همین نقطه عزیمت «تجربه روانی و مواجید خصوصی» تعریف کرده‌اند و نبوت را ترکیبی از زبان شاعرانه، تصرفات ساحرانه و حادثه‌های روانی جنون‌آمیز خوانده و پیامبران را حداکثر، مصلحانی بشری دانسته‌اند که به استظهار مقداری حالات برآمده از «خلوت خلاق» و روحیه‌ای انقلابی، «فراخوان اجتماعی» داده و با تیغ «کاریزما» تاریخ را تسخیر کرده‌اند! (۱)

## معانی لغوی و اصطلاحی کثرت‌گرایی

کثرت‌گرایی معانی لغوی و اصطلاحی متعددی دارد:

الف) معانی لغوی این واژه در فرهنگ آکسفورد، این‌گونه تعریف شده است:

- ۱- زندگی در جامعه‌ای که از گروه‌های نژادی مختلف تشکیل یافته و این گروه‌ها دارای زندگی سیاسی و دینی مختلف می‌باشند.
- ۲- پذیرش این اصل که گروه‌های نژادی مختلف می‌توانند در یک جامعه به صورت صلح‌آمیز زندگی کنند. این تعریف متضمن یک ایده و مکتب فکری است. (۲)

معادل‌های (Pluralism) در زبان فارسی عبارتند از:

- ۱- تکثر و چندگانگی. (۳)
  - ۲- تعدد مقام و دارا بودن بیش از یک منصب در کلیسا. (۴)
- ب) کثرت‌گرایی در اصطلاح دست کم چهار نوع کاربرد دارد:
- ۱- معنی اول آن مترادف و منطبق با تسامح (Tolerance) می‌باشد که به معنی مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز برای جلوگیری از جنگ‌ها و تخاصمات است. در این تعریف، کثرت‌ها به عنوان واقعیت‌های اجتماعی پذیرفته شده‌اند؛ یعنی پیروان هر یک از ادیان و مذاهب، در عین این‌که هر یک، فقط خود را بر حق و اهل نجات می‌دانند، در عمل با پیروان ادیان و مذاهب دیگر به بردباری و شکیبایی و از سر تسامح برخوردار می‌کنند. ما این تکثر را در بین دو فرقه از یک مذهب، بین دو مذهب از یک دین، و بین دو دین الهی پذیرفته‌ایم. مانند زندگی مسالمت‌آمیز فرقه شیعه در کنار هم، و یا همزیستی مسالمت‌آمیز شیعه و سنی در جهان اسلام، یا پیروان اسلام، مسیحیت و یهودیت که با احترام و ادب نسبت به همدیگر برخورد می‌کنند و به نحو مسالمت‌آمیز به رفت و آمد، بحث و مناظره و تجارت می‌پردازند. البته، این کثرت‌گرایی، ربطی به عرصه فکر و نظر ندارد. زیرا هر گروه خود را حق و دیگری را باطل می‌داند.

ما آیات زیادی داریم که تصریح می‌کند، در اسلام زندگی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب پذیرفته شده است. مانند آیه شریفه که می‌فرماید: [اَقْرَبُ] خدا شما را از کسانی که در [کافر] دین با شما نجات‌بخشیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد. (ممتحنه: ۸) معنی آیه شریفه این است که با این کفار رفتار دوستانه، احسان و عدالت داشته باشید. پیغمبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام نیز تأکیدات فراوان بر روابط میان فرقه‌های مختلف

مسلمانان داشته‌اند؛ حضرات ائمه اطهار علیهم السلام همواره اهل تشیع و تسنن را تشویق می‌نمودند که در نمازهای جماعت، عبادت از مریض و در تشییع جنازه و سایر امور یکدیگر مشارکت داشته باشند و از کمک و مساعدت به یکدیگر دریغ نورزند. بنابراین، ما در مورد معنای اول تکثر‌گرایی هیچ مشکلی نداریم، زیرا همان‌طور که بیان شد، اسلام همزیستی مسالمت‌آمیز با ادیان الهی را پذیرفته است. در داخل حکومت اسلامی نیز فی‌الجمله این امر پذیرفته شده است. زیرا پیروان فرقه‌های مختلف و مسلک‌های متفاوت در کنار مسلمانان و در پناه حکومت اسلامی به زندگی خویش ادامه می‌دهند و از حقوق شهروندی برخوردار هستند. (۵)

۲- معنی دوم کثرت‌گرایی این است که، دین واحدی از سوی خداوند آمده که چهره‌هایی مختلف دارد. اختلاف در جوهر ادیان نیست بلکه در فهم دین است. کسانی به گونه‌ای آن امر الهی را فهمیدند و یهودی شدند، عده‌ای دیگر، به شکل دیگری فهمیدند و مسیحی شده‌اند و کسانی به شکل دیگری فهمیدند و مسلمان شدند. هر پیامبری به گونه‌ای حقیقت را درک و بیان نموده است. به همین جهت یکی قائل به توحید و دیگری قائل به تثلیث شده است. هر کسی براساس ذهنیت و فهم خود، چهره‌ای از این حقیقت را درک می‌کند. فهم هیچ کس بر فهم دیگری ترجیح ندارد. ما صراط مستقیم واحد نداریم، بلکه صراط‌های مستقیم داریم و همه آنها درست محسوب می‌شوند. آنچه در دسترس هر بشری حتی پیغمبر قرار می‌گیرد، ضمانت و صحت مطلق ندارد. یک حقیقت ثابت الهی نیست. آن چه در حوزه معرفت ما قرار دارد، صرفاً برداشت‌های ذهنی هر یک از پیامبران است که تابعی از شناخت‌های طبیعی، فیزیکی، اجتماعی، سیاسی و ارزش‌های زمان هر یک از آنان می‌باشد.

در این تعریف، به یک حقیقت واحد و ثابت اعتراف می‌شود، اما حقیقتی که به طور خالص در دسترس هیچ انسانی حتی پیغمبر قرار نمی‌گیرد. در نتیجه، هیچ مکتبی بر مکتب دیگر ترجیح ندارد. در داخل یک دین هم هیچ مذهبی بر مذهب دیگر ترجیح ندارد. این نظریه نسبت به محکومات و ضروریات دین نمی‌تواند درست باشد و سخن بسیار غلطی است ولی در شکل ساده و در محدوده مسائل نظری و ظنی قابل پذیرش است. (۶)

۳- معنای سوم کثرت‌گرایی این است که حقایق کثیرند و ما حقیقت واحد نداریم. عقاید متناقض صرف نظر از اختلاف فهم‌های ما، همه حقیقت هستند. این معنی، قطعاً غلط است زیرا تناقض بدیهی البطلان است. کثرت‌گرایی به این معنی، یک مفهوم وارداتی است و ریشه در کلام مسیحی و اختلافات کلیسا با دست‌آوردهای علوم تجربی دارد و ما که چنین مشکلاتی نداشته‌ایم نیازی به طرح چنین راه کارهایی نداریم. (۷)

۴- معنی چهارم کثرت‌گرایی این است که حقیقت، مجموعه‌ای از اجزا و عناصری است که هر یک از این عناصر، در یک دین از ادیان یافت می‌شوند. بنابراین، ما هیچ دین جامعی نداریم بلکه

مجموعه‌ای از ادیان داریم که هر یک سهمی از حقیقت دارند. در اسلام، تنها بخشی از حقیقت یافت می‌شود و در مسیحیت، بخش دیگری و در یهودیت، و... بخشی دیگر. همچنین شاید هیچ دینی نداشته باشیم که هیچ سهمی از حقیقت نداشته باشد بلکه در هر دین، بخشی از حقیقت یافت می‌شود. اما نه مسلمان و نه هیچ کس دیگری نمی‌تواند بگوید که دین من به تمام حقیقت رسیده است. کثرت‌گرایی در معنی چهارم نیز پذیرفته نیست. زیرا اسلام، دینی واجد همه حقایق دینی است، نه این‌که فقط بخشی از حقیقت را شامل باشد.<sup>(۸)</sup>

### پیشینه تاریخی کثرت‌گرایی

کثرت‌انگاری نسبت به دین، طرحی است که برخی از دانشمندان و متکلمین غربی با تأثیرپذیری از دیدگاه فلسفی خاصی در پاسخ به بعضی مسائل عقیدتی و همچنین برای حل برخی از مشکلات اجتماعی ارائه می‌دهند. کثرت‌گرایی، یک طرز تلقی، در الهیات مسیحی است و اگر کلام مسیحی و اختلاف فرقه‌های مسیحیت را ندانیم، نمی‌توانیم کثرت‌گرایی را درست بفهمیم.

ادیان مورد قبول مردم دنیا از لحاظ معقولیت اصول و مبانی‌شان، به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف) ادیانی که اصول و مبانی اولیه آنها معقول است، به این معنی که معلّم و مبلغ آن دین، اصول و مبانی اساسی و اولیه دین خود را ارائه داده باشد و پیروان آن دین نیز این اصول را در حوزه ادراکی خود، تا حدودی تصوّر کرده و تصدیق می‌نمایند. به عنوان نمونه، «الله تبارک و تعالی وجود دارد که مبدأ، خالق و سلطان مطلق هستی است و او دانا و توانا است و ربوبیت عالم و آدم در دست اوست». «انسان به دنبال زندگی دنیوی، وارد مرحله دیگری از حیات اخروی می‌شود که کیفیت آن زندگی، از لحاظ بدبختی و خوشبختی، نتیجه عملکرد انسان در حیات دنیوی خویش است».

این اصول و مبادی، همه از نوعی معقولیت برخوردارند؛ یعنی دستگاه ادراکی انسان از تصوّر و تصدیق آنها ناتوان نیست. مثلاً عقیده به مبدأ جهان، متکی به اصل «علیت» است که حتی اذهان ساده، و در مواردی حتی اذهان برخی از حیوانات نیز آن را ادراک می‌کنند. این‌که هر پدیده‌ای محصول مجموعه‌ای از علل و عوامل است، امری است بدیهی و مشهود و مورد تجربه زندگی روزمره ما. بنابراین، ادیانی که اصولشان از این دست باشد، از معقولیت و به عبارت دیگر از معقولیت عقلی بهره‌مند خواهند بود. و قبول این اصول تنها بر اساس تحلیل عقلی بوده و نیازی به توسل به مبانی غیر عقلانی مانند احساس، اراده و یا تفکیک حوزه عقل و ایمان نخواهیم داشت. برخلاف الهیات مسیحی که قبول اصول آن با توسل به مبانی غیر عقلانی مانند تفکیک امور فوق است.

ب) ادیانی که اصول و مبانی اولیه آن‌ها معقول نیستند. منظور ما از «نامعقول» یا «غیر عقلانی» یا به اصطلاح دیگر، «شطحی» آن است که قضیه‌ای چنان باشد که ذهن انسان، نتواند آن را دریابد

و در خود بگنجاند، و یا آن‌که با اصول حاکم بر ذهن انسان، در تضاد بوده و در نتیجه، برای ذهن ما غیر قابل تصدیق و قبول باشد. مانند این گفته مسیحیان که «عیسی مسیح هم جنبه الهی دارد و هم جنبه بشری و خداوند ذات واحد سه گانه‌ای است که در سه اقنوم پدر و پسر و روح القدس، تحقق دارد».<sup>(۹)</sup>

ادیان و مکاتبی همچون، مکاتب هندی، تصوّف و نیز الهیات مسیحی از اصول و مبانی غیر عقلانی و شطحی برخوردارند که این رویکرد غیرعقلانی و ضد معرفتی در کلام مسیحی مسبوق به سابقه نسبتاً دیرینه است. در میان متکلمان مسیحی، عقل‌گریزی به حدّی تشدید شد که ریشه تمیز عقلانی در باب «حقیقت» را برکنند. کثرت‌گرایی دینی، یک دکترین عقل‌گرای بلکه عقل‌ستیز در واکنش به عقل‌گرایی دکارتی بود.

ریچارد سویین‌برن (R. Swinburne)، دفاع عقلانی از دین را غیر لازم دید.

سویدلر (A. Swidler)، دایره حقیقت را به قدری وسیع گرفت که نه تنها کلیه ادیان و آیین‌ها اعم از توحیدی و مشرکانه و بت‌پرستانه بلکه حتی مکاتب غیر دینی چون کمونیسیم را نیز در بر می‌گیرد.

ویلیام پی. آلستون (W.p. Alston) نیز استدلال را برای حلّ اختلافات نظری به کلی عاجز دیده و تجربه‌های دینی متعارض را قابل قبول می‌دانست.

شلایر ماخر (Schleier Mycher) معتقد است الفاظی که در مورد دین به کار می‌رود، صرفاً سایه هیجان‌های درونی انسان‌ها در مورد دین است و کتاب مقدّس را صرفاً ثبت تجربیات دینی عیسی علیه السلام می‌داند که نباید در تمام جزئیاتش جدّی گرفته شود. بریث ویت، (R.B. Bryithwaite) نیز در نظریه «دین به مثابه محمل عمل‌گرایی اخلاقی»، گزاره‌های دینی را صرفاً نوعی اعلام موضع شخصی در رفتار اجتماعی دانسته که چیزی بیش از بیان تعهد افراد دیندار به عهدهایی (که تفاوت جدّی نیز با یکدیگر ندارند)، نیست و نباید جدّی گرفته شود.

ویتگنشتاین (Wittgenstein, Ludwig) در نیمه قرن بیستم بود که کلیه عقاید و گزاره‌های کلامی را کارکرد زبان در جهت اظهار مشارکت در صور حیات دینی دانست که هیچ حجّت عقلی و الزام نظری آن را مشایعت نمی‌کند.

کارل بارث، (Karl barth) میان حقایق الهی و سایر مباحث، جدایی معرفتی افکند و همه چیز را تنها موقوف به «عنایت» دانست و تلاش علمی و آگاهی آدمی را بی‌ثمر شمرد.

ایمانوئل کانت، (Kant, Immanuel) قابلیت تحقیق را به حواس خمس و ارتسامات ناشی از حسّیات فرو کاست و کلام مسیحی را به «شبه گزاره‌های مفید» تأویل کرد.

در مقولات فرا حسّی، سه طلاقه کردن عقل موجب سبّتی سیزم افراطی شد و باعث تعلیق حکم عقل و تلاش عمدی علیه عقلانیت گردید و به این ترتیب عملاً سلسله استدلال‌های عقلی -



دینی و اخلاقی - حقوقی، نافرجام و بحث‌ناپذیر دانسته شد و هر گونه «فهم و انتخاب و تلاش برای ترجیح در قلمروی دین، ایده‌آل‌هایی خیالی خوانده شد. احکام تألیفی پیشینی انکار شد و مقدمات اصلی معارف مابعدالطبیعی (خدا - نفس - اختیار) غیر قابل اثبات یقینی و محکوم به تعارضات لاینحل گردید و گفته شد وحی، وحی درونی هر شخص است (نه وحی تاریخی بر عیسی تاریخی)، و دین احساسی باطنی بیش نیست.<sup>(۱۰)</sup>

همه اینها قطعات پراکنده یک رویکرد ضد معرفتی در باب دین، اخلاق و کلام دینی است که یکی از نتایج منطقی آن، نفی حقایق از همه ادیان است. در فضای دیانت مسیحی، انسان با چیزهایی روبروست که ضد عقلانی‌اند ولی در عین حال، باید آن‌ها را باور داشت. در مسیحیت «غایت زندگی زیستن است نه دانستن» و به گفته پولس رسول: خدا جَهَّال جهان را برگزید تا حکما را رسوا سازد.<sup>(۱۱)</sup> و اینها همه یک رویکرد ضد معرفتی است. در حالی که، خداوند متعال می‌فرماید: «ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶) که بعضی مفسرین می‌فرمایند: ليعبدون یعنی ليعرفون، و در حدیث قدسی آمده که خداوند متعال فرمود: «كنت كنزاً مخفياً... فخلقت الخلق لكي اعرف» معرفت را اساس آفرینش شمرده است و دهها و بلکه صدها روایت و حدیث دیگر که میزان ارزش اعمال و عقاید را درجه تفکر و تعقل شخص قرار داده‌اند.<sup>(۱۲)</sup>



### همراهی شک و ایمان مسیحی و نتایج و ثمرات آن

در مسیحیت، با نیروی ایمان باید به عقاید دینی باور داشت هرچند مخالف عقل باشد. در مسیحیت، همگان باید به همان قضایای نامعقول، به عنوان اصول و مبانی اولیه دین ایمان آورند. ایمان به معنی اقرار زبانی در عین رد و انکار عقلی و قلبی است. و این چنین ایمانی همواره توأم با شک و تردید است و یک مسیحی همواره می‌گوید: «من در عین ناباوری»، باور می‌کنم. آنها حتی برای ایمان توأم با چنین شکی ثمراتی هم قائل هستند از جمله:

- ۱- شک، عامل اصالت ایمان است و ایمان نلریزیده از شک به هیچ وجه ایمان اصیل و موثق نیست.
- ۲- شک جلوه فروتنی است و بدون این فروتنی تظاهر به ایمان دینی، تقلید نمودن دیانت است.

۳- شک عامل مدارای دینی است و بدون گرایش به شک، مدارای دینی غیر ممکن است. یعنی چون همگی در مبانی دینی خود شک دارند و احتمال می‌دهند که دیگری بر حق باشد، لذا با پیروان ادیان دیگر مدارا می‌نمایند و زندگی مسالمت‌آمیز خواهند داشت.<sup>(۱۳)</sup> به این ترتیب، در قرن بیستم سخن از تحمل و تساهل به میان آمد. در ابتدا بیشتر به جنبه‌های اخلاقی آن توجه شد و کمتر مبانی و لوازم آن مورد تأمل قرار گرفت. همواره به مبلغان مسیحی توصیه می‌شد که دیگران را به قهر و اجبار به مسیحیت فرا نخوانند.<sup>(۱۴)</sup>

### علل طرح کثرت‌گرایی اجتماعی

پس از گسترش دامنه ارتباط بین جوامع، به ویژه پس از جنگ‌های شدید فرقه‌ای و مذهبی، اعم از جنگ‌های صلیبی بین مسلمانان و

مسیحیان و جنگ بین پیروان مذاهب مسیحی با یکدیگر و آثار شومی که این جنگ‌ها بر جای گذاشت، این تفکر تقویت شد که باید مذاهب دیگر را به رسمیت شناخت و با آن‌ها از در آشتی درآمد و به نفع جامعه است که مذاهب و مکاتب مختلف با هم سازگار باشند.<sup>(۱۵)</sup> علاوه بر این‌که، نظام سرمایه‌داری پس از پشت کردن به عقل نظری و عملی و پس از اِدبار از سنت‌های دینی، با اتکا به عقلانیت ابزاری یعنی فن‌آوری و بوروکراسی در مسیر اقتدار دنیوی، ناگزیر از جهانی شدن و توسعه شد و چنین نظامی از تباطات گسترده و

فراگیری را طلب می‌کرد و در نتیجه نمی‌توانست روابط و سنت‌های دینی و بومی جوامع و خرده‌فرهنگ‌هایی که در مسیر این امپراطوری عظیم جهانی قرار می‌گیرند را تحمل کند، بنابراین، کثرت‌گرایی اجتماعی را مطرح کردند.<sup>(۱۶)</sup>

### نقطه عزیمت کثرت‌گرایی دینی در جهان مسیحی

نقطه عزیمت کثرت‌گرایی دینی در جهان مسیحی - لیبرال، آموزه «نجات» بود. از دیدگاه کلیسا حضرت مسیح علیه‌السلام تنها راه نجات و وصول به بهشت است. در نزد پروتستان‌ها، این نجات و وصول به بهشت از طریق ایمان، تأمین می‌شود. در الهیات لیبرال - پروتستان، رابطه مؤمن با عمل، قطع شده و از نظر آنها نباید بر روی ساختار حقوقی خاصی اصرار داشت. چنانچه گفته‌اند: بر روی عقاید هم نباید حساسیت نشان داد. زیرا از نظر آنان چیزی به نام

«عقاید حقه»، که لزوماً باید آن‌ها را درک کرد و خلاف آن را ترک کرد، وجود ندارد. پروتستان‌ها می‌گویند: دین صرفاً یک احساس رمانتیک شخصی است، یک تمایل قلبی بدون هیچ معیار برای داوری است. نقد یا ردّ و قبول هم امکان ندارد.<sup>(۱۷)</sup> در این رویکرد آنچه حائز اهمیت است، صرف ایمان داشتن است نه «موضوع ایمان» نه «روش زندگی و عمل» و نه «جدول ارزشی ادیان»، هیچ‌کدام از این موارد اهمیتی در آن حدّ ندارند که منشأ موضع‌گیری شوند و آن‌گاه که از سرنوشت دیگر انسان‌ها پرسش می‌شود، با طرح کثرت‌گرایی دینی، دوزخی بودن غیر مسیحیان با انگیزه‌ها و دلایل مختلف مورد استبعاد یا انکار قرار می‌گیرد. نجات، رستگاری و وصول به بهشت در کلیسای کاتولیک، با انجام مراسمی خاص تحقق می‌یابد.

و همان‌طور که قبلاً به آن اشارت رفت، در قرون وسطی کاتولیک‌ها معتقد بودند تنها، کسی که غسل تعمید کلیسایی داشته باشد به بهشت می‌رود. از نظر کاتولیک‌ها، حتی حضرت موسی و حضرت ابراهیم علیهم‌السلام هم اهل بهشت نیستند گرچه مورد احترام کلیسا هستند. منتهی در جایی به نام «لیمبو» که مکانی است بین بهشت و جهنّم و عاری از هرگونه لذّت و اذیت، آن‌ها و همه کسانی که غسل تعمید ندارند ولی گناهان بزرگ هم نکرده‌اند، معطل می‌مانند تا این‌که در روز قیامت، حضرت عیسی علیه‌السلام آنها را به بهشت ببرد. بعدها گفتند که برای غسل تعمید، لازم نیست که شخصی حتماً آب روی سر بریزد، بلکه روش‌های دیگر هم گاهی کفایت می‌کند. تساهل در امور دینی از سوی کاتولیک‌ها به مسیحی خواندن ادیان غیرمسیحی انجامید و تصریح کردند، غیر مسیحیانی که زندگی خوب و پاکی داشته باشند مسیحی‌اند؛ گرچه تعالیم مسیح علیه‌السلام را نپذیرند. این نتیجه مفاد بیانیه شورای دوم کلیسای کاتولیک (۱۹۶۵-۱۹۶۳) می‌باشد. بعدها یکی از متکلمان کاتولیک در قرن بیستم به نام «کارل راتر» (karl rahner) اظهار کرد که باید گروهی از مردم و ادیان غیر مذهبی را هم در واقع مسیحی بدانیم. مثلاً اگر یک مسلمان، زندگی خوبی دارد، صادقانه و پاک زندگی می‌کند و کاری هم برخلاف تعالیم مسیح نمی‌کند، ما و خدا، او را هم مسیحی می‌دانیم اگر چه غسل تعمید نکرده باشد. جان هیک (Hich, Jahn) و استاد او اسمیت (C. Smith) که از جمله اولین و مهم‌ترین فیلسوفانی هستند که در تبیین کثرت‌گرایی دینی و مبانی آن قلم زده‌اند، می‌گویند: غیر مسیحیان بسیاری وجود دارند که تحت تأثیر ادیان دیگر قرار گرفته و انسان‌هایی پاک و بی‌آزار بار آمده‌اند. بنابراین، مزیت کلیسا در مورد غسل تعمید و وابسته بودن نجات و رستگاری و بهشتی شدن افراد به آن را نمی‌توان توجیه کرد.

بر این اساس، جان هیک، حقانیت و سعادت‌مندی تمام ادیان و متدینان را به عنوان کثرت‌گرایی دینی مطرح ساخت. جان هیک کشیشی از فرقه پرسبیتریان (Presbyterians) در انگلستان بود که الآن در آمریکا بازنشسته می‌باشد. ایشان چندین سال در آمریکا

تدریس می‌نمودند، قبلاً در شرق انگلستان (برمینگهام) بسیار فعال بودند و با مسلمانان، هندوها و یهودیان، رفت و آمد و همکاری می‌کردند.<sup>(۱۸)</sup>

پرسبیتریان‌ها، پیامبر را، پیام‌آور و سخن‌گوی خدا یا قلم خدا ندانسته و «وحی» را نه کلماتی الهام شده بلکه شخص مسیح علیه‌السلام می‌دانند. از آیین‌های هفت‌گانه، به شام خداوندگار و «غسل تعمید» پایبندند. گر چه تعمید را برای رستگاری، ضروری نمی‌دانند. عیسی را پسر خدا می‌دانند که برای رستگاری بشر به صورت انسان درآمده، پس او خدای حقیقی و پسر حقیقی است! تثلیث، سه تجلی است و اشخاص را باید به اقنوم‌ها تأویل کرد. مریم را مادر خدا می‌دانند و تجسم دقیقاً بدین معنی است که خدا به صورت جسم درآمده و در قالب عیسی به انسان بدل شد.

علی‌رغم عقاید کلامی جازم پرسبیتریان‌ها، جان هیک تنها راه نجات را در ترک «دغدغه حقیقت و صدق» دید و گفت رستگاری و نجات با اعمال صالح و مجاهدت و تلاش آدمی حاصل نمی‌شود بلکه تنها باید به قربانی شدن مسیح ایمان داشت و رستگاری را تنها در قربانی‌های بخش یعنی عیسی مسیح می‌توان یافت. پس مناسک، عقاید و اعمال، هیچ یک نقش جدی در رستگاری ایفا نمی‌کند. آنچه مهم است، تنها سپیم شدن در «فدیه عیسی» است اما لزومی ندارد که این عمل، آگاهانه انجام گیرد. جان هیک بنیاد کثرت‌گرایی دینی خود را از جمله، بر مسأله «تشبیه» نهاده است و تجربه دینی را از تعبیر دینی، تفکیک کرده و از «مفاهیم مفسّر» به عنوان محمل‌های بشری در ارائه مفاد تجربه خویش سخن گفته است. کثرت‌گرایی دینی، با نفی «معرفت مطابق با واقع» گره خورده است. کثرت‌گراها با اصل «معرفت» مشکل دارند، نه نسبت به کسب ذات ربوبی فقط، زیرا همگان اعتراف دارند که به کسب ذات اقدس ربوبی، کما هو حقه، معرفتی نمی‌توان داشت، سخن از حدّ اقلّ معرفت است نه غایت آن و این مقدار معرفت فی‌الجمله محال نیست.

### معرفت‌شناسی کثرت‌گرایی جان هیک

معرفت‌شناسی «کثرت‌گرایی» جان هیک، دارای ساخت تجزیه‌گرایانه بوده و مبتنی بر نفی امکان «معرفت مطابق با واقع»، به ویژه در مقولات دینی می‌باشد و مستلزم نوعی «شکاکیت جزمی در باب ادیان» می‌باشد. این دیدگاه از رمانتیسم شلایرماخر (دین، به مثابه احساس شخصی و بدون بار معرفتی)، و تفکیک «نومن» و «فنومن» کانت (سدّ باب و معرفت به واقع)، نیز رنگ گرفته و محصول نهایی آن، از جمله این است که:

اولاً: نباید بر چیزی به نام «عقاید حقه» تأکید کرد زیرا مستلزم ابطال دیگران است. بنابراین، همه عقاید علی‌السویه باید به رسمیت شناخته شود.

ثانیاً: دین «شریعتی» یعنی احکام فقهی نیز، مانع کثرت‌گرایی خواهد بود. پس وظایف عملی و نیز مناسک و احکام فقهی را نباید

از شاخص‌های اصلی دین‌داری دانست.

ثالثاً: اخلاق نیز، معیارهای متفاوت دارد و در موارد بسیاری، نمی‌توان قضاوت کرد که کدام روش اخلاقی، صحیح است و کدام غلط؛ بنابراین، علاوه بر عقاید و احکام، در اخلاق نیز باید به نوعی نسبیّت قائل شد.

لازم به ذکر است که آموزه‌های غیر معقول بلکه عقل‌ستیز مسیحیان هم چون مسأله تثلیث، تحقیر علم و عقل، تفکیک علم و ایمان و هم چنین تحولات اندیشه دینی مغرب زمین، هم چون تبدیل خدانشناسی وحیانی به خدانشناسی طبیعی و تحویل آن به نسبی‌گرایی و تسامح دینی و نیز گسترش معرفت‌شناسی نوین، هم چون تفکیک نومن از فنومن و ظهور الهیات اعتدالی و هرمنیوتیکس مدرن توسط شلایرماخر و تأکید بر تجربه دینی، نقش مؤثری در طرح این رویکرد از سوی جان هیک داشته‌اند.

علاوه بر این امور، تحقق حکومت دموکراسی لیبرال به همراه اصولی چون آزادی، اصالت دادن به آرای اکثریت مردم و عقل‌گرایی در پیدایش کثرت‌گرایی مؤثر بوده است. توضیح مطلب این‌که، غرب در ابتداء، نظام سیاسی پادشاهی و دارای قدرت متمرکز را برگزید. از عصر نوزایی به بعد، این نظام سیاسی تغییر یافت و به حکومت دموکراسی تبدیل گشت. آن‌گاه حکومت دموکراسی نیز به شکل‌ها و محتوای گوناگون ظهور کرد و در نهایت، حکومت دموکراسی لیبرال، با اصل کثرت‌گرایی سیاسی، مورد پذیرش قرار گرفت. سپس با اندیشه‌های جدید معرفت‌شناسی و دین‌شناسی خصوصاً نسبی‌انگاری در حوزه‌های دانش و ارزش کثرت‌گرایی اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و دینی مطرح گردید و صحنه‌های ارزش‌های اخلاقی و فعالیت‌های اجتماعی و اعتقادات دین‌داری به دامن کثرت‌گرایی افتاد.

با انتقال علوم و معارف مغرب زمین به کشورهای روبه توسعه و در اثر ارتباط فرهنگی و تحولات اندیشه‌ها، مفاهیم و مباحثی از فلسفه دین و کلام جدید، میهمان فرهنگ مشرق زمین گردید که از آن جمله است، مبحث «کثرت‌گرایی دینی» آقای جان هیک که عده‌ای از روشنفکران غرب‌زده به ترجمه و تبلیغ آن در کشورهای اسلامی پرداختند. از جمله «محمد آرکون» و «فضل الرحمن» عهده‌دار این مسؤلیت شوم و خطرناک در شمال آفریقا و شبه جزیره هند شدند. فضل‌الرحمان از تکثر صراط‌های مستقیم و بشری بودن وحی و بشری بودن الفاظ قرآن سخن گفت و قرآن را، تعبیرات پیامبر از تجربیات روانی و حالات شخصی خود دانست. وی سرّ اختلاف ادیان را تعبیرات شخصی هر پیامبر از تجربیات روانی خود می‌دانست که متأثر از محیط و شرایط زیستی هر پیامبر می‌باشد. فضل‌الرحمان به دلیل همین نظریاتش، تکفیر شد و از جامعه اسلامی پاکستان طرد گردید. محمد آرکون نیز در باب تفکیک «دین» از «معرفت دینی» سخنان مبسوطی دارد، از جمله می‌گوید که از داوری و ارزش‌گذاری میان عقاید دینی و مذهبی باید پرهیز کرد. (۱۹)

آقای دکتر عبدالکریم سروش که قبلاً کتاب «قبض و بسط تئوریک شریعت» خود را با اقتباس کاملی از دیدگاه‌های هرمنیوتیکی شلایرماخر و... و نیز مباحث زبانی نیوپوزیتیویستی ارائه داده بود، در کتاب «صراط‌های مستقیم» خویش، سعی نموده دیدگاه جان هیک را به نوعی در ایران بومی‌سازی کند. لذا آن را به فارسی برگرداند و کوشید مثال‌هایی از شعر و قرآن و عرفان، برای آن دست و پا کند و در این کار، از تجربیات «محمد آرکون» و «فضل الرحمن»، کمال استفاده را برده است. از هنگامی که آقای سروش، کتاب قبض و بسط تئوریک شریعت، خویش را چاپ نمود (سال ۱۳۷۰) و در همان کتاب، تا حدودی مبانی و ادله کثرت‌گرایی را مطرح ساخت و سپس کتاب «صراط‌های مستقیم»، خویش را از چاپ خارج نمود، فرهیخته‌گان و اسلام‌شناسان زمان شناس «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس» به خوبی دانستند که «کثرت‌گرایی دینی» و مباحثی از این قبیل به مثابه نوعی تعرض از خارج جهان اسلام به ساخت عقیدتی مسلمین می‌باشد که لازم است کاملاً شناسایی و نقد شود. لذا وظیفه خود دانستند هر چه بیش‌تر معارف قرآن را توضیح داده و امتیاز «وحی» را از گفته‌ها و خیالات بشری خودسرانه آشکار کنند.

در این راستا، یکی از استادان، لوازم فلسفی و کلامی کثرت‌گرایی را نقد و تحلیل نمود، اندیشمند دیگری زمینه‌های عقیدتی و اجتماعی آن را تبیین نمود. فرزانه دیگری نگاهی درون دینی به «کثرت‌گرایی دینی» انداخت و هر کدام از عزیزان از زاویه‌ای به نقد و تحلیل آن پرداختند.

به نظر می‌رسد، اگر چه استادان بزرگوار قدم‌های بلندی در نقد و تحلیل رویکرد فوق برداشته‌اند ولی کافی نیست و باید تحقیقات و پژوهش‌های جامعی پیرامون موضوع فوق صورت گیرد. لذا در این تحقیق کوشش شده است، قدمی هر چند کوتاه در این راستا برداشته شود.

#### پی‌نوشت‌ها

- ۱- حسن رحیم‌پور ازغدی، «دوازده تبصره بر پلورالیسم دینی»، کتاب نقد، فصلنامه انتقادی، فلسفی، فرهنگی شماره ۴، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر تهران، پاییز ۱۳۷۶، ص ۲
- ۲- Oxford Elementary، ج اول، نشر اسناد دارد، تهران، ۱۳۷۶.
- ۳- محمدرضا باطنی، فرهنگ معاصر انگلیسی به فارسی، چاپ هفتم، واحد پژوهش فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۵
- ۴- ر.ک: فرهنگ کوچک انگلیسی به فارسی حبیب
- ۵- الی ۸- محمدتقی مصباح، گزاره اول، (استاد مصباح و پلورالیسم دینی)، پیشین، ص ۳۳۶- ۳۳۴ / ص ۳۳۸ / ۳۴۲ / ص ۳۳۹
- ۹- هادی صادقی، پلورالیسم، ص ۱۳
- ۱۰- حسن رحیم‌پور ازغدی، پیشین، ص ۵۷
- ۱۱- رساله پورلس رسولان به قرنیتان، چاپ اول، ص ۳۷
- ۱۲- ۱۳- یحیی‌یثربی، «مدارابدون شک»، پیشین، ص ۵۳ / ص ۵۲
- ۱۴- سعیدامیراکرمی، «تردبان‌های آسمان»، صراط‌های مستقیم، ص ۲۱۴
- ۱۵- محمدتقی مصباح، پیشین، ص ۳۳۴
- ۱۶- حمیدپارسانیا، «زمینه‌های عقیدتی و اجتماعی پلورالیسم»، ص ۵۶
- ۱۷- ۱۸- محمد لگنهاوزن، «مفهوم نبوت را خراب نکنید»، همان، ص ۲۶ و ۲۵ / ص ۱۵
- ۱۹- حسن رحیم‌پور ازغدی، «فرائض شفاف از پلورالیسم دینی»، ص ۷۶ و ۷۸ و ۷۷

## خلاصة المحتويات

### الاستاذ محمدتقي مصباح

### الاخلاق و العرفان في الاسلام

للحياء فوائد جمّة و آثار تعود بالخير على كل من الفرد و المجتمع. ان بحث معنى الحياء يفرض علينا ليس فقط دراسة الجوانب الاخلاقية للموضوع بل الوقوف على وجهة نظر علم النفس ايضاً. ان شعور الفرد بالحياء يرتبط بأمرين: رغبته في السلامة من كل عيب و نقص و الثاني سعيه لستر العيوب التي يمكن ان تصدر منه. فاذا ما ارتكب الانسان عملاً قبيحاً و علم به الآخرون - أو اذا اطلع الآخرون على عيب كان يريد اخفائه - فان ذلك مدعاة لشعوره بالخجل. ان حالة مثل هذه تسبب له حرجاً و معاناة تسلبه راحته. و الانسان بطبيعته يتألم اذا ما اطلع الآخرون على عيوبه او اذا شعر باحتيال اطلاق الناس على سوء افعاله التي يحاول اخفائها، كما ان اعتزاز الانسان بكرامته يدفعه للشعور بالخجل اذا ما سولت له نفسه ارتكاب عمل سيء يمكن ان يطلع عليه الآخرون. ان اعتبار هذا الفعل او ذاك من الافعال المستهجنة امر يرتبط بنظرة نظام القيم السائد في المجتمع. و طبقاً لتعاليم الدين الاسلامي الحنيف فان هناك فرقاً بين الحياء و بين الحالة العادية للخجل و نحن كمسلمين حري بنا ان نخجل من ارتكاب الذنب. ان تمادي الناس في ارتكاب الذنوب قد يؤدي بالنتيجة الى ان يرى الناس المنكر معروفاً و ان شعور الانسان بالخجل يقيه ارتكاب الذنوب. و من وصية الامام الصادق عليه السلام لابن جندب: يا ابن جندب، الاسلام عريان فلباسه الحياء.

### ندوة حول ظاهرة العولمة - حوار مع الدكتور لاريجاني و الدكتور توكلي و الدكتور محمدي

يُعد موضوع العولمة احد المواضيع المهمة في عصرنا الحاضر، و يستهدف هذا الحوار بحث و تقييم الجانب الاقتصادي و الجانب السياسي لموضوع العولمة. و من المواضيع التي يركز عليها الحوار ما يلي: تعريف مفهوم العولمة، ماضي العولمة، ايجابياتها و سلبياتها، الفرق بين مفهوم العولمة و بناء عالم أمثل، الابعاد الرئيسية للعولمة، الفرضيات و الازاء المطروحة حول هذا الموضوع و آثار و نتائج ذلك، و مسألة ما اذا كان موضوع العولمة امراً لا يمكن اجتنابه، و اخيراً مسؤوليتنا تجاه الاحداث المستجدة.

### مشروع جديد حول تنظيم القطاع النقدي و المالي و المصرفي في النظام اللاروي

ينظر النظام الاقتصادي في الاسلام اساساً الى موضوع الربا نظرة سلبية. و لذا فان بحث هذا الامر يتطلب اتخاذ خطوات ابعد من مجرد حذف الربا. يعرض هذا المقال مشروعاً جديداً بهذا الصدد حيث يعتمد طريقة الخصم كأساس للمشروع و لذا يؤكد البحث على ان التبادل النقدي في النظام النقدي و المالي لأي اقتصاد يتخذ أربعة طرق اساسية هي: القرض، الربا، الخصم (البيع بالدين) و بيع الدين بالدين. ان موقف الحكم الشرعي من الربا و القرض واضح و معلوم و اما فيما يتعلق بالخصم (البيع بالدين) و بيع الدين بالدين فان المشهور بين فقهاء الشيعة بأن البيع بالدين لا اشكال فيه و ان بيع الدين بالدين محكوم عليه بالهرمة. يذكر القسم الاخير من المقال بأن الخصم يُعد احد الطرق المهمة و المشروعة التي تساهم في بناء النظام النقدي - المالي الاسلامي في القطاع النقدي. يبحث الكاتب موضوع الخصم كطريقة عملية و بناءة. و يتعرض المقال ايضاً الى نتائج و آثار البحث و يسلط الضوء على الجانب النظري و الجانب الاقتصادي للموضوع و على الصعوبات التي تعترضه.

### مهدي لطيفي

### حقوق التملك المعنوي

يشمل موضوع حقوق التملك المعنوي دراسة نتاجات الانسان الفكرية، و يسلط هذا المقال الضوء على نقاط مثل نظام حق التملك للمؤلف، نظام حقوق التملك الصناعي و التجاري، الجانب الاقتصادي للتملك المعنوي و بحث فقهي لموضوع حقوق التملك المعنوي. ان مفهوم كلمة «مؤلف» يختلف عن مفهوم كلمة «كاتب»، فالمؤلف شخص مُبدع له القدرة على انتاج اثر علمي او فني او أدبي باعتداده اساليب علمية و فنية و ذوقية، و للمؤلف نوعان من حقوق التملك: الحقوق المادية و الحقوق الاخلاقية (المعنوية). و اما النتاجات التي يتمتع اصحابها بالحماية فهي: الآثار المكتوبة، الآثار الموسومة و المرئية، الآثار التي تُعرض ضمن برامج الراديو و التلفزيون، الانتاج السينمائي، الانتاج الموسيقي و الصوتي، اعمال التحت و الآثار الفنية. و الحقوق المادية قابلة للانتقال من شخص الى آخر بحرية و ضمن مدة محدودة و تشمل الحقوق المادية: حق النشر و الاستنساخ، حق التنفيذ و التوزيع، حق الترجمة، حق نشر الانتاج بشكل وسائل سمعية و بصرية، حق تسجيل النتاج و حق اعداد الفلم، و حق التمتع بالعطائات و المنح ...

و اضافة الى ما تقدم فان هناك نوعاً آخر من الحقوق و هي الحقوق الاخلاقية (المعنوية) و هذه محفوظة للانراد، و هي ليست محدودة بمكان او زمان و لا يمكن انتقالها من شخص لآخر و من الامثلة على ذلك:

1. حق انتساب النتاج لصاحبه الاصلي 2. حق احترام النتاج و حق صاحبه بالتصرف 3. حق اصدارالقرار بنشر او عدم نشر النتاج.

يقدم كاتب المقال بحثاً مفصلاً حول النقاط التي ورد ذكرها.

The word author is used here to refer not to any writer but to the person who creates and begins things in literature, science or art by making use of his or her skill, art and experiences.

The property rights of an author are mainly divided into two kinds: material and moral. Among the works that are legally protected are the writings, audiovisual works, radio - and - television programmes, sculptural work and pieces of art, films, musical and audio products. Transmission and time limitation are characteristic of material rights, which include: publication right, photocopying right, the right of performance and supply, translation right, the right to display the work in the form of audiovisual means, recording right, filmmaking right, the right of benefiting from rewards.

The second kind are the moral rights, which are reserved for the individual, not limited to time or place and cannot be transmitted. Moral rights involve the right of the producer's possession of a work, the right of inviolability and integrity of a work and the right of making a decision on whether or not to publish the work.



# ABSTRACTS

## Islamic Mysticism and Morality

Professor Muhammad Taqi Misbah

Feeling of shame is an advantage and a blessing for individual as well as society. In order to investigate the meaning of feeling of shame, it is recommended that we trace not only the moral aspect of the subject but also the psychological point of view of it. Feeling of shame is ascribed to two things: first, one's wish to be free from defects and mistakes; and secondly, one's persistence of covering one's misdeeds. When one commits an evil deed of which people become aware, or when, in spite of one's efforts to cover one's evil deed, it becomes known, one comes to feel ashamed.

Instinctively, if man notices that his wrong deeds can no longer be kept hidden or that people can discover them, this very idea brings discomfort and distress for him. For a person who cares much about his or her dignity and self-esteem, even the attempt of concealing misdeeds is embarrassing.

When we want to know whether or not certain deeds are wicked, we have to refer to the value system of the society in which man lives. According to the Islamic teachings, feeling of shame differs in meaning from feeling of embarrassment in its ordinary sense. A Muslim who commits a sin should feel embarrassed. If sins are committed by people frequently, they will no longer seem ugly or evil, rather they may seem a kind of usual behavior. Therefore, feeling of shame can play a major role in safeguarding man against sins.

Imam Sadiq (upon him be peace) refers to this point and says that feeling of shame is Islam's garment without which it is bare.

## A Probe into Globalization

*An interview with Dr. Larijani, Dr. Tawaqquli and Dr. Muhammadi.*

The idea of globalization is considered as one of today's important issues. This interview seeks to investigate and assess the economic and political aspects of globalization.

The questions, on which the interview focuses, are: the definition of globalization, the historical development of the idea, its advantages and disadvantages, the distinction between globalization and global construction, the pivots of globalization, the propositions and theories put forward in this concern and their effects, whether or not globalization is something inevitable, and since this is the case, what our responsibility is.

## A New Approach to Monetary Sector and Financial System in an Interest-Free Economy

Sayed Abdil Hameed Thabit

Essentially, Islamic economic system has a negative view of *riba* (interest). Therefore, the accomplishment of a monetary, financial and banking system demands something more than mere omission of *riba*.

This article seeks to provide a new perspective on this question considering "discount" as its basis.

Therefore, the writer makes explicit that the exchanges in monetary sector of a monetary-financial system in all types of economy are divided into four kinds: *qarz* (loan), *riba* (interest) *bey' dein* (discount), and *bey' dein be dein*, and that according to the view of most outstanding Shi'ite jurists *bey'dien* is permissible whereas *bey' dein be dein* is impermissible, assuming that the jurisprudential view of *qarz* and *riba* is clear.

The article concludes with the idea that discount, being an essential way approved of by Islamic jurisprudence, can - together with *qarz* - play a vital part in the accomplishment of a practical and executive Islamic monetary and financial system in the monetary sector.

The article introduces, along with the approach, a theoretical and economic analysis. It also points to the problems connected to the question.

## Intellectual Property Rights

Mahdi Latifi

Intellectual property rights are mainly related to things which have to do with the intellectual products. This article discusses a number of issues like the author's property right rules, industrial -- commercial property right rules, the economic aspects of intellectual property probing the jurisprudential view of intellectual property rights.